



بازمهندسی فرهنگ سازمانی بانک‌های دولتی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: بانک سپه)

امیرحسین بنائی

دانشجوی دوره روزانه دکترای مدیریت دولتی دانشگاه تهران

چکیده

بانک‌ها و از جمله بانک‌های دولتی نقش مهم و تعیین کننده‌ای را در تحقق استراتژی اقتصاد مقاومتی در کشور ایفا می‌کنند. این در حالی است که فرهنگ سازمانی حاکم بر این بانک‌ها از زمان شکل‌گیری شان - حدوداً یک قرن پیش - تاکنون نه تنها به‌روز نشده، بلکه ریشه‌دارتر و ایستاتر هم شده است. محقق طی یک مطالعه قوم‌نگاری پانزده ماهه در بانک سپه، ضمن مشاهده پدیده از خود بیگانگی در کارکنان این بانک، ناهمخوان بودن فرهنگ سازمانی بانک با تغییرات فرایندگرایانه ساختاری و فناورانه آن را دلیل اصلی برای تعارضات سازمانی، کاهش شدید رضایت شغلی کارمندان و در نتیجه افت بهره‌وری سازمانی یافته و کوشیده است تا مبتنی بر مدل سه‌لایه‌ای تحلیل میدان، فرهنگ سازمانی آن را در یک انگاره نظام‌مند و کل‌گرایانه بازمهندسی نماید؛ و بر همین اساس، همگانی‌سازی مفروضات نظریه Y مگ‌گریگور در میان مدیران، اجرای استراتژی «خلوت‌سازی پشت‌باجه»، چابک‌سازی ستادی، تشکیل واحد «رفع تعارضات» و از همه مهمتر ایجاد ساختار کاملاً مسطح در شعب را پیشنهاد اولیه داده است. هرچند به نظر می‌رسد به سبب «بی‌کفایتی مهارت یافته» نهادینه شده در بانک سپه؛ اینرسی سکون هرگونه تغییر - مشخصاً از حیث فرهنگی - در این بانک چنان عظیم است که برای اجرای هر نوع بازمهندسی به یک انقلاب سازمانی نیاز باشد.

واژگان کلیدی: فرهنگ سازمانی، بازمهندسی، بانک سپه، قوم‌نگاری، مدل سه‌لایه‌ای، اقتصاد مقاومتی.